

واکاوی مفهوم انتظار و فضیلت آن در روایات

سیده فاطمه موسوی^۱، مرضیه سادات حسینی^۲

چکیده

در تفکر شیعی، انتظار موعود، یک اصل مسلم اعتقادی است. در بسیاری از روایات، بر ضرورت انتظار قائم آل محمد علیهم السلام به روشنی تصریح شده است. تبیین انتظار، رویکردهای متفاوت و کارکردهای مربوط به آن، مسئله‌ای حیاتی است که تبیین صحیح آن از آسیب‌ها، خرافه‌ها و تحریف‌ها در مقوله انتظار کاسته و با مفهوم ژرف خود، کارکردهای عملی فراوانی دارد. مهدویت و مقوله انتظار در جامعه امروز، مورد اقبال عمومی مردم قرار گرفته و در نتیجه نحلها و مکاتب فراوانی براساس برداشت‌های شخصی که منحرف هستند، شکل گرفته است. مقاله حاضر، مفهوم انتظار، انتظار فرج، تنوع انتظار و فضیلت انتظار در روایات را بررسی می‌کند. این مقاله از طریق جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده است.

واژگان کلیدی: انتظار، انتظار فرج، تنوع انتظار، فضیلت انتظار.

۱. مقدمه

انتظار در فرهنگ غنی اسلام، به خصوص در مذهب شیعه اثنی‌عشری، جایگاه رفیع و ارزشمندی دارد. شیعه با بهره‌گیری از آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام انتظار فرج و امید به آینده را فراروی خود قرار داده و چشم به راه جامعه‌ای نورانی، امن، پاک و آباد است که با ظهور آخرین آفتاب ولایت از سلاله پاک رسول صلی الله علیه و آله به روی مردم گشوده خواهد شد. آن‌گاه، عدالت اجتماعی، صلحی پایدار و جهانی، امنیت اجتماعی و روانی، رشد و شکوفایی معنوی جهان را فراخواهد گرفت. شادابی و پویایی انسان در طول دوران زندگی فردی و اجتماعی، مرهون نعمت انتظار و امید است. آنچه انسان را به زندگی امیدوار کرده و مشکلات و نگرانی‌ها را مرتفع می‌کند، انتظار و امید به آینده‌ای روشن است. بدون انتظار، زندگی، معنا و مفهوم چندانی نخواهد داشت. نعمت انتظار و امیدواری، به زندگی، صفا و زیبایی بخشیده، زندگی

۱. مدرس گروه علمی-تربیتی مطالعات اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، از ایران.

۲. دانش‌پژوه کارشناسی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، از افغانستان.

را برای انسان لذت بخش و معنادار کرده و موجب پویایی و تلاش و حرکت به سوی فرداهایی روشن می‌شود، به گونه‌ای که انسان بدون امید و انتظار، شور و نشاط لازم برای تداوم زندگی را از دست خواهد داد. این نکته اهمیت زیادی دارد که روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام همان گونه که در منابع شیعی آمده، در بسیاری از کتاب‌های معروف اهل سنت نیز بیان شده است. بر این اساس، شیعه نیز با بهره‌گیری از آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام این امید و انتظار به آینده را در متعالی‌ترین نوع خود، فراروی انسان‌های منتظر و کمال طلب قرار داده است. با وجود وضوح معنای انتظار، تفسیرها و برداشت‌های گوناگون و متضادی در مفهوم‌شناسی انتظار مطرح است که تداعی‌گر تنوع انتظار به دو دسته انتظار حقیقی و سازنده و نیز انتظار غیر حقیقی و مخرب می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. انتظار در لغت

انتظار، مصدر باب افتعال و از ماده ن ظ ر است. انتظار در لغت، به معنای چشم داشتن، ترقب و توقع، چشم‌داشت، نگرانی و چشم به راه بودن است. (دهخدا، ۱۳۵۲، ۷/۲۹۴) در تمامی مشتقات این ماده، نظر به معنای نگرستن، به عنوان اصلی واحد وجود دارد. انتظار نیز مانند سایر هم‌خانواده‌های خود، ضمن دربرداشتن معنی نظریه، دربردارنده معنایی فراتر از آن بوده و از نظر معنایی، تفاوت عمده‌ای با معنای واژه نظریه دارد. فیروزآبادی در قاموس، واژه نظریه را، با چشم در چیزی درنگ کردن معنا کرده و عبارت او چنین است: «نَظَرُهُ ... تَأَمَّلُهُ بعینه» (فیروزآبادی، ۱۳۷۸، ۲/۱۵۰)، اما درباره انتظار می‌گوید: «انْتَظَرُهُ وَتَنْظَرُهُ: تَأْتِي عَلَيْهِ وَالتَّنْظُرُ، تَوَقُّعٌ مَا تَنْتَظِرُهُ» (فیروزآبادی، ۱۳۷۸، ۲/۱۵۰) با توجه به اینکه تانی را تثبیت معنا کرده‌اند، معلوم می‌شود که به عقیده او، انتظار، چیزی ثابت و پابرجا ماندن بر آن است و در نتیجه، حالتی روانی به همراه درنگ و تأمل است. لویس معلوف نیز در *المنجد* انتظار را چنین معنی می‌کند: «انْتَظَرُهُ: تَرْقِبُهُ، تَوَقُّعُهُ، تَأْتِي عَلَيْهِ» (معلوف، ۱۳۶۰، ص ۸۱۷). ابن منظور در *لسان العرب* درباره واژه انتظار، همان چیزی را می‌گوید که فیروزآبادی گفته است. وی شعری را از عروه بن الورد به عنوان شاهد می‌آورد:

«اِذَا بَعْدُوا لَا يَأْمَنُونَ اقْتِرَابَهُ تُشَوِّفُ اَهْلَ الْغَائِبِ الْمُنْتَظِرِ» (بن منظور، ۱۳۶۳، ۱۴/۱۹۴). در مصرع دوم، منتظر به کسی گفته شده که غائب است و اهل او بر جای بلندی، آمدنش را چشم دارند

یا خانواده او خود را برای آمدنش می‌آرایند و این تفاوت، به علت معنای تشوف است که آن را هم آراستن، و هم برآمدن بر جای بلند برای دیده‌بانی معنا کرده‌اند. ابن منظور درباره واژه انتظار می‌گوید: «انتظرته اذا ارتقبت حضوره؛ منتظر کسی هستی زمانی که حضور او را دیده‌بانی می‌کنی» (ابن منظور، ۱۳۶۳، ۱۹۴/۱۴)، او ترقب، انتظار و ارتقاب را به یک معنی می‌داند. حسینی زبیدی نیز در *تاج العروس* با بیان همین معنی برای انتظار، با ابن منظور هم‌عقیده است (حسینی زبیدی، ۱۳۹۲، ۲۴۷/۴). صاحب کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* در این باره می‌گوید:

اصل واحد در ماده نظر، رؤیت با تعمق و تحقیق در موضوعی مادی یا معنوی با نگاه ظاهری و یا همراه با بینش و شناخت است. در معنای این واژه، چنین تعبیری نیز آمده است که انتظار، باب افتعال و به معنی مطاوعه، پذیرفتن توجه، تأمل و بصیرت در موضوع از روی صبر است. (مصطفوی، ۱۴۱۶، ۱۶۶/۱۲)

عنصر صبر نیز در کنار مؤلفه‌هایی مانند بینش و شناخت، در معنی لغوی این مفهوم در نظر گرفته شده است. انتظار در لغت، به معنای چشم‌داشت، چشم به راه بودن و نوعی امید به آینده داشتن است، خواه امید به آینده‌ای زیبا و مطلوب و خواه امید به آینده‌ای زشت و منفور. نتیجه‌ای که از معنای لغوی انتظار به دست می‌آید، این است که کسی که عمل زشت و ناهنجاری انجام داده، منتظر کیفر آن است و کسی که بذری را در زمین پاشیده، منتظر است که محصولش از زمین سر برآورده و سرسبز شود و کسی که کار خیر و شایسته‌ای انجام داده، منتظر است تا روزی فرارسد و او پاداش کار خیرش را دریافت کند. (تونه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷)

۲-۲. انتظار در اصطلاح

در اصطلاح مهدویت، انتظار به معنای چشم به راه بودن برای ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است. برخی از بزرگان با بهره‌مندی از انتظار، آن را این گونه تعریف کرده‌اند:

انتظار حالتی است نفسانی، که آمادگی برای آنچه انتظارش را می‌کشیم، از آن برمی‌آید و ضد آن، یأس و ناامیدی است، پس هر قدر که انتظار شدیدتر باشد، آمادگی و مهیاشدن، قوی‌تر خواهد بود. نمی‌بینی اگر مسافری داشته باشی که در انتظار مقدمش به سربری، هر چه هنگام آمدنش نزدیک‌تر شود، مهیا شدنت فزونی می‌یابد، بلکه خوابت به بیداری مبدل می‌گردد؛ زیرا انتظارت شدید است و همان‌طور که مراتب انتظار از این جهت متفاوت است، از جهت محبت نسبت به کسی که در

انتظارش هستی نیز مراتب متفاوتی دارد. بنابراین، مؤمنی که منتظر آمدن مولایش است، هر قدر که انتظارش شدیدتر باشد، تلاشش در آمادگی برای آن به وسیله پرهیز از گناه و کوشش در راه تهذیب نفس و پاکیزه کردن درون از صفات نکوهیده و به دست آوردن خوی‌های پسندیده، بیشتر می‌شود تا به فیض دیدار مولای خود و مشاهده جمال انورش در زمان غیبتش دستگارشود و بی‌تردید هر چه انتظار شدیدتر باشد، صاحب آن مقام و ثواب بیشتری نزد خدای عزوجل خواهد داشت. (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۶، ۲/۲۳۵). انتظار، چشم به راه بودن است و این چشم به راهی، به تناسب بستر و زمینه آن، ارزش پیدا کرده و آثار و پیامدهایی دارد. انتظار، تنها یک حالت روحی و درونی نیست، بلکه از درون به بیرون سرایت کرده و حرکت و اقدام را می‌آفریند. به همین دلیل است که در روایات، انتظار به عنوان یک عمل، و بلکه بهترین اعمال، معرفی شده است. انتظار، به منتظر شکل داده و برای کارها و تلاش‌های او جهت خاصی را ایجاد می‌کند و آن جهت، راهی است که به تحقق آنچه به انتظار آن است، منتهی می‌شود. بنابراین، انتظار، با نشستن و دست روی دست گذاشتن نمی‌سازد. انتظار، با چشم به در دوختن و حسرت خوردن، تمام نمی‌شود، بلکه در آن، حرکت و نشاط و شور آفرینی نهفته است. (یوسفیان، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱)

انتظار در اسلام عبارت است از ایمان استوار بر امامت و ولایت حضرت ولی عصر علیه السلام و امید به ظهور مبارک آن واپسین حجت الهی و آغاز حکومت صالحان. انتظار از دید این مذهب، امیدی است به آینده‌ای نویدبخش و سعادت آفرین که در آن به رهبری قائدی عظیم، جهان از مفاسد و بدبختی‌ها رهایی یافته و راه خیر و صلاح، آسایش و امنیت را در پیش می‌گیرد. انتظار، چشم به راهی برای تحقق عدل و حق است، امید به رفع تعینات نژادی، طبقه‌ای، ملیتی و زبانی است، یافتن زندگی بر اساس شرف و فضیلت و تقوی است، زندگی بدون خوف از ابرقدرتان است، بدان گونه که خدای را بدون خوف و خطری پیرستند و او را بدون واهمه‌ای عبادت کنند. انتظار، نوعی تخلیه برای تخلیه است، نوعی آمادگی برای پاک شدن، دور ماندن از زشتی‌ها، ستم‌بارگی‌ها، وصول به تزکیه نفس، تجدید قوای خود برای شرکت در نهضتی عظیم و انسانی و یافتن صفا و نورانیت. (قائمی، ۱۳۵۹، ص ۱۳) بنابراین، انتظار حالتی است روحی و درونی که از مطلوب نبودن وضعیت موجود و ناخرسندی انسان از این وضعیت، حکایت می‌کند، به گونه‌ای که وی را به امید مرتفع ساختن این حالت و رسیدن به وضعیت مطلوب، به تکاپو واداشته و سراسر وجود او را امید رسیدن به مطلوب فراگرفته و به هیچ چیز جز او نمی‌اندیشد. آیت الله مکارم شیرازی انتظار را این گونه تعریف می‌کند:

انتظار یا آینده‌نگری، به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضعی بهتر تلاش می‌کند. برای مثال، بیماری که انتظار بهبودی می‌کشد، یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهتری می‌کوشند. این دو حالت دارد. یکی بیگانگی با وضع موجود و دیگری تلاش برای وضع بهتر. بنابراین، مسئله انتظار حکومت حق و عدالت مهدی علیه السلام و قیام مصلح جهانی، مرکب از دو عنصر است: عنصر نفی و عنصر اثبات. عنصر نفی، همان بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات، خواهان وضعی بهتر بودن است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۸۵)

آیت الله صافی گلپایگانی می‌فرماید:

انتظار حالتی است که از ترکیب ایمان، اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان علیه السلام، شوق و علاقه به ظهور، حکومت، زیست و همراهی با اهل بیت علیهم السلام، تنفر از وضع موجود، یعنی غیبت امام علیه السلام، توجه به نقص، فساد و تباهی آن سرچشمه گرفته، در وجود انسان شعله می‌کشد و انواع دگرگونی‌ها را در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان ایجاد می‌کند. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۵، ۳۵۳/۱)

۲-۳. مفهوم انتظار فرج و حقیقت آن

فرج، یعنی نصرت، پیروزی و گشایش، و مقصود از فرج، نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بیداد است. بنابراین، انتظار فرج، یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی. منتظر حقیقی کسی است که به حقیقت، خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد. در روایات آمده:

انتظار فرج، خود فرج است؛ زیرا کسی که منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تأسیس حکومت عدل گستر اوست، زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌کند. او انسانی است که حضور و غیبت امام علیه السلام در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ایجاد نکرده و پیش از تشکیل حکومت عدل، چنین حکومتی را در زندگی خود ایجاد و پایدار کرده است. بنابراین، انتظار فرج، یعنی معرفت امام معصوم علیه السلام و عادل و پیشوای فضیلت، عشق به عدالت و ارزش‌های انسانی، امید به آینده‌ای روشن و نویدبخش، تلاش برای برقراری حکومتی عدل پیشه و عدل گستر و داشتن روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری. این نوع انتظار فرج بوده که بهترین اعمال و بالاترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هرگاه در زمان غیبت از دنیا برود، مانند کسی است که پس از ظهور حضرت حجت علیه السلام زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می‌کند. (جمعی از محققین، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۸، ص ۸۲)

انتظار فرج در اسلام، نوعی آمادگی است. آمادگی برای پاک شدن و پاک زیستن، آمادگی برای حرکتی مستمر همراه با خودسازی و سرانجام آمادگی برای تهیه قوا برای شرکت در نهضت عظیم آسمانی حضرت ولی عصر علیه السلام. انتظار فرج، یکی از ویژگی‌های ممتاز تشیع است. دکتر علی‌وردی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه بغداد در این باره می‌گوید:

از بهترین رازهای نهفته بقای تشیع، همین روح انتظاری است که کالبد هر شیعه را آکنده کرده و پیوسته او را به تلاش و کوشش و جنبش و جوشش وامی‌دارد و مانع از نومیدی و بی‌تابی و افسردگی و درماندگی او می‌شود. تشیع، آتشفشان خاموش کوهسار اسلام است که گاه و بیگاه، دود و بخار و لرزه و تکان اندکی پدید آورده و همین تأثیر اندک، ریشه تمام انقلابات دنیای اسلام است. (تاجری، ۱۳۵۸، ص ۱۶۴)

استاد دوانی در مفهوم انتظار فرج می‌گوید: معنی انتظار فرج و گشایش کار خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله که باب ویژه‌ای در احادیث مربوط به مهدی موعود علیه السلام و امام غائب دارد، چیزی جز این معنی نیست که انتظار برای ظهور امام زنده‌ای است که ناظر بر اعمال و رفتار و زندگی بندگان خداست و به هنگام ظهور، بهترین و سالم‌ترین و پرشورترین منتظران خود را برای اصلاح دنیای آشفته و مردم سرگردان برمی‌گزیند. (دوانی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۱) در جای دیگر آمده:

اما فرج به معنای گشایش است، گشایشی که امید امیدواران بوده و به یقین تحقق‌پذیر است و ناامیدی در آن راه ندارد و ممکن است طول بکشد، ولی طول کشیدن تحقق مطلوب، از لوازم امیدهای بزرگ است. امیدهای کوچک، به زودی تحقق‌پذیرند و امید هرچه بزرگ‌تر باشد، تحقق دیرتر و درازمدت‌تری دارد، به خصوص اگر بزرگ‌ترین امیدها باشد که مقصود همان فرج است و آن گشایش برای همه خلق و سیادت عدل و داد برای همیشه در جهان است. (صدر، ۱۳۷۸، ص ۸۶)

انتظار ظهور امام زمان علیه السلام به معنای انتظار برای پر شدن جهان از عدل و داد و عدالت برای همه انسان‌ها و انتظار رفع ظلم از صحنه زندگی بشر و انتظار فرارسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادی است.

۳. تنوع انتظار

۳-۱. انتظار عام

در این معنا، مکتب اسلام تلاش کرده که از یک سو با فضیلت بخشیدن به انتظار گشایش و امید به آینده و از سوی دیگر، بانکوهش یأس، ناامیدی، دل‌سردی و دل‌مردگی، روحیه تلاش و تکاپوی سازنده را در افراد جامعه اسلامی زنده نگه داشته و از ایجاد حالت یأس و ناامیدی

در زندگی شخصی مسلمانان جلوگیری کند. اهتمام اسلام به این معنای عام از انتظار و امید به آینده، تا آنجاست که از یک سو، امید به فرارسیدن گشایش از سوی خداوند در زمره برترین اعمال برشمرده شده و از سوی دیگر، یأس و ناامیدی از رحمت خدا، از جمله گناهان کبیره است. شاید بتوان گفت که بسیاری از روایاتی که در آنها به فضیلت انتظار فرج به طور کلی و بدون ذکر متعلق فرج اشاره شده، به اصل تقویت روحیه امید به آینده و مقابله با حالت ناامیدی و بدبینی نسبت به آینده نظر داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به روایات زیر اشاره کرد. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵) رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛ بالاترین و برترین عبادت، انتظار فرج است» (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ۱/۵۳۷). درباره برترین اعمال امت می‌فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ برترین کارهای امت من، انتظار فرج از جانب خداوند بلندمرتبه است» (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ۲/۵۴۷).

توجه و اهتمام آموزه‌های اسلامی در بیان معنای عام انتظار و امید، به اندازه‌ای بوده که از آن با کامل‌ترین عناوین و ارزشمندترین کمالات معنوی انسانی یاد کرده است. برخی روایات، آن را برترین عبادت و بندگی و برخی، برترین کارها برشمرده‌اند و در برخی دیگر با عنوان برترین جهاد امت پیامبر صلی الله علیه و آله اهمیت آن مورد توجه قرار گرفته است. رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ برترین جهاد امت من، انتظار گشایش است» (شعبه حرانی، ۱۳۸۰، ص ۳۷). یأس و ناامیدی از رحمت پروردگار، به شدت مذمت شده و در شمار گناهان بزرگ است. اگر امید به آینده و انتظار، در جامعه نباشد، زندگی مفهومی نخواهد داشت؛ زیرا حرکت و انتظار، در کنار هم بوده و از هم جدا نمی‌شوند. انتظار، علت حرکت و تحرک بخش است و چون انسان، به طور ذاتی کمال طلب است، انتظار رسیدن به کمال مطلوب و آینده بهتر، با نهاد او عجین شده است. انتظار و امید به آینده همزاد انسان است و اگر امید را از او بگیرند سرنوشتی جز سکون، مرگ و تباهی نخواهد داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي، وَلَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ أُمُّ وَوَلَدًا وَلَا عَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا.

امید برای امت من، مایه رحمت است و اگر امید نبود، هیچ مادری فرزندی را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت. (مجلسی، ۱۳۶۱، ۱۷۵/۷۷)

ناامیدی، یأس و بدبینی نسبت به آینده، آثار زهرآگینی برای بشر دارد. یکی از آن آثار، تن‌دادن و راضی شدن به وضع موجود است. در این جوامع، گرایش به فساد و رذایل اخلاقی

زیاد می‌شود؛ زیرا هنگامی که فرد از پدید آوردن راستی و درستی سرخورده و نومید شد، خواسته‌ها و نیازهایش از سوی دیگر سر برمی‌آورد. به همین دلیل، اسلام با یأس و ناامیدی مبارزه کرده و نور امید و انتظار را در دل مسلمانان همواره روشن کرده است.

۳-۲. انتظار خاص

در این معنا، انتظار به معنای چشم به راه بودن آینده، با تمام ویژگی‌های یک جامعه مورد رضایت خداوندی است که یگانه مصداق آن دوران، حاکمیت آخرین ذخیره الهی، وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام است. (سلیمیان، ۱۳۸۸، ۲/۲۰۶) امام باقر علیه السلام آن‌گاه که دین مورد رضایت خداوند را تعریف می‌کند، پس از شمردن اموری می‌فرماید: «وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا وَ الْوَرَعُ وَ التَّوَّاضُعُ وَ انْتِظَارُ قَائِمِنَا؛ و تسلیم به امر ما و پرهیزکاری و فروتنی و انتظار قائم ما» (شیخ کلینی، ۱۳۴۴، ۲/۲۳۳). امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

عَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ وَ الرَّدِّ الْإِيْتِنَا وَ انْتِظَارِ أَمْرِنَا وَ أَمْرِكُمْ وَ فَرَجِنَا وَ فَرَجِكُمْ.

بر شما باد به تسلیم و بازگرداندن امور به ما و انتظار امر ما و امر خودتان و فرج ما و فرج شما. (طوسی، ۱۴۲۷، ص ۱۳۸)

آنچه از روایات مربوط به انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام به دست می‌آید، این است که انتظار ظهور حضرت علیه السلام، نه فقط راه رسیدن به جامعه موعود است، بلکه خود نیز موضوعیت دارد، یعنی اگر کسی در انتظار راستین باشد، تفاوتی ندارد که به مورد انتظار خود، برسد یا نرسد. در انتظار به معنای خاص، انتظار گشایش و امید به آینده، از حالت امری محدود، سطحی و فردی خارج شده و تبدیل به امری گسترده، عمیق و اجتماعی می‌شود. دین اسلام با توجه به اینکه امید به آینده و انتظار، گرایشی فطری و جوهره زندگی انسان‌هاست، تلاش کرده که این گرایش را از یک سو توسعه داده و از سوی دیگر تعمیق بخشد. دین اسلام به همه انسان‌ها می‌گوید:

شما فقط منتظر بهبود وضع زندگی خود و اطرافیان‌تان نباشید و تنها سعادت نزدیکان خود را طلب نکنید، بلکه این انتظار را نسبت به همه افراد جامعه گسترش دهید و چشم انتظار روزی باشید که رفاه، سعادت، عدالت و معنویت، نه تنها در شهر و دیار شما، بلکه در همه جهان گسترده شود. انتظار شما نباید تنها متوجه امور ظاهری، سطحی و محدود زندگی شود، شما باید انتظارتان را تعمیق بخشید و چشم به راه آینده‌ای باشید که حقیقت مطلق، عدالت مطلق و معنویت مطلق در جهان حاکم شود.

در این معنا، انتظار تنها به ظهور مردی تعلق می‌گیرد که اگر بیاید، نهایت خوبی‌ها برای همه انسان‌ها در سراسر جهان فراهم خواهد شد. این انتظار به همان اندازه فضیلت و برتری دارد که تحقق متعلق آن. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸) انسان موجودی کمال طلب بوده و انتظار رسیدن به کمال مطلوب و نهایی در وجودش شعله‌ور است. خداوند نیز مقدمات این سیر تکاملی را به واسطه انبیاء و ائمه معصومین^{علیهم‌السلام} فراهم کرده است. با ظهور حضرت مهدی^{علیه‌السلام} و تشکیل حکومت واحد جهانی توسط آن حضرت، انسان به سر منزل نهایی تکامل و عبودیت پروردگار می‌رسد. بنابراین، انتظار فرج در معنای خاص خود، یعنی انتظار قدرت اسلام راستین و ظهور امام زمان^{علیه‌السلام} و حکومت جهانی آن حضرت. امام خمینی^{رحمته‌الله} می‌فرماید: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور انشاء الله فراهم شود». (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ۱۹۶/۲۰)

انتظار فرج، چه به معنای عام و چه به معنای خاص آن، در فرهنگ اسلام و به ویژه در فرهنگ غنی شیعه، جایگاه والایی داشته و یکی از عقاید پایه‌ای انسان‌ساز و انقلاب آفرین است.

۴. فضیلت انتظار در روایات

در منابع روایی، انتظار فرج جایگاه ویژه‌ای دارد که نشانه اهمیت موضوع و وجود روایات فراوانی درباره آن است. در منابع اهل سنت نیز روایاتی درباره انتظار و فضیلت آن وجود دارد.

۴-۱. انتظار فرج در سیره ائمه اطهار^{علیهم‌السلام}

بر اساس عقاید حقه شیعه که برگرفته از قرآن و فرموده‌های حضرت رسول^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} است، رفتار و گفتار ائمه^{علیهم‌السلام} فراخور شخصیت ارجمندشان، بسیار متعالی، برجسته و مهم است. آن بزرگواران، امام خلائق هستند و دیگران وظیفه تبعیت، تقلید و پیروی از ایشان را دارند. اوج بندگی یک فرد، ولایت مداری اوست؛ زیرا اطاعت تام از قرآن و فرامین رسول الله^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} که مساوی با بندگی است، این اقتضا را دارد که هیچ چیز بدون ولایت، معنادار نباشد. در کتاب *خصال*، روایتی از امام صادق^{علیه‌السلام} نقل شده که ایشان راه و روش ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} را برشمرده و انتظار فرج به همراه صبر را یکی از فرازهای زندگی خود می‌دانند. امام صادق^{علیه‌السلام} می‌فرماید: «مِنْ دِينِ الْأَئِمَّةِ الْوَرَعُ وَالْعِفَّةُ وَالصَّلَاحُ إِلَى قَوْلِهِ وَانْتَظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ» (مجلسی، ۱۳۵۱، ۱۲۲/۵۲). برترین فضیلتی که برای انتظار فرج می‌توان برشمرده همین است که سیره رفتاری اهل بیت^{علیهم‌السلام} و اقتداء شیعیان به موالیانشان در این موضوع، مصداقی از ولایت‌مداری

آنها بوده و فضیلتی بزرگ برای آنهاست.

۴-۲. انتظار فرج، از ستون‌های دین

در کتاب الغیبه نعمانی، حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که در آن، از انتظار فرج به عنوان یکی از ستون‌های دین یاد شده است. آن حضرت فرمود:

آیا شما را خبر ندهم از چیزی که خداوند هیچ عملی را از بندگان بدون آن نمی‌پذیرد؟ گواهی دادن بر اینکه معبودی جز الله نیست و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست و اقرار به هر آنچه خداوند به آن امر کرده و دوستی با ما و بیزارى از دشمنان ما، یعنی ما امامان به خصوص، و تسلیم شدن به آنان و پرهیز و کوشش و اطمینان داشتن و چشم به راه قائم بودن، پس فرمود: ما را دولتی در پیش است که هر وقت خدا بخواهد، آن را پیش خواهد آورد. هر کس که از بودنش در شمار یاران امام قائم علیه السلام شادمان است، باید به انتظار باشد و با همین حال انتظار به پرهیز و اخلاق نیکو رفتار کند، پس اگر اجلس فرا رسید و امام قائم علیه السلام پس از مرگ او قیام کرد، پاداش او همانند پاداش کسی است که امام قائم علیه السلام را درک کرده باشد، پس کوشا باشید و به انتظار بنشینید. گوارا باد بر شما ای گروهی که مشمول رحمت خدايید. (نعمانی، ۱۳۵۹، ص ۲۳۵)

۴-۳. انتظار فرج، راه نجات

مرحوم صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه می‌فرماید:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَضَلَّكَ اللَّهُ لَقَدْ تَرَكْنَا أَسْوَاقَنَا انْتِظَارًا لِهَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ يَا عَبْدَ الْحَمِيدِ أَتَرَى مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا بَلَى وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَيْنَا.

مردی به امام باقر علیه السلام عرض کرد، ما کار و کسب خود را رها کرده و منتظر فرجیم. امام علیه السلام در جواب فرمود آیا گمان می‌کنی کسی که جلوی خود را برای خدا بگیرد، خداوند برای او راه گشایشی قرار نمی‌دهد؟ به خدا قسم که خدا برای او راه گشایش و خروج از مشکلات قرار می‌دهد. (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ۵۴۶/۲)

امام سجاد علیه السلام درباره فرج بودن خود فرج و این حقیقت ارزشمند فرمود: «انْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ؛ انتظار گشایش، خود از بزرگ‌ترین گشایش‌هاست». (شیخ صدوق، ۱۳۶۳/۱، ۵۸۸)

انتظار فرج، از ستون‌های دین بوده و عدم انتظار، یعنی دینی بدون رکن و ستون و افتادن به ضلالت و گمراهی. بنابراین، انتظار فرج راهی برای نجات از حیرت و سرگردانی و گشایشی بزرگ برای منتظران است.

۴-۴. انتظار فرج، بالاترین عبادت

قرآن و اهل بیت علیهم السلام به انسان‌ها می‌آموزند که هدف از آفرینش، بندگی خداوند است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از نمونه‌های این بندگی را، انتظار گشایش دانسته و می‌فرماید: «انْتَظِرِ الْفَرَجِ عِبَادَةَ». (طوسی، ۱۳۸۸، ص ۴۰۵) برخی عبادت‌ها بر برخی دیگر برتری دارند و انجام آنها علاوه بر آنکه پاداش بیشتری دارد، در سازندگی انسان نیز نقش مؤثری را خواهد داشت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله انتظار فرج را در زمره عبادت‌های خداوند دانسته، آن را یکی از برترین عبادت‌ها می‌داند و می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتَظَارُ الْفَرَجِ» (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ص ۵۳۷).

۴-۵. انتظار فرج، محبوب‌ترین و برترین اعمال نزد خداوند

در روایات، از انتظار فرج به عنوان محبوب‌ترین اعمال و افضل آنها یاد شده است. امام علی علیه السلام در پاسخ سؤالی که از ایشان در مورد محبوب‌ترین کارها شد، فرمود: «انْتَظِرِ الْفَرَجِ». (مجلسی، ۱۳۶۱، ص ۱۲۲) ایشان در جای دیگر به انتظار فرج تأکید کرده و می‌فرماید:

انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَبْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ انْتَظَارُ الْفَرَجِ.

از عنایات الهی مأیوس نشوید و منتظر فرج باشید که همانا محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند بلندمرتبه، انتظار فرج است. (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ص ۱۲۳)

محبوب‌ترین عمل، انتظار فرج است؛ زیرا انتظار فرج، از رحمت و عنایات الهی بوده و بآس، مبعوض‌ترین کار نزد خداوند بعد از شرک است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انتظار فرج را برترین کارهای امتش معرفی کرده و می‌فرماید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ برترین کارهای امت من، انتظار فرج از جانب خداوند متعال است» (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ص ۵۴۷/۲).

۴-۶. انتظار فرج، برترین جهاد

جهاد و کوشش در راه خدا، یکی از مهم‌ترین رفتارهای فردی و گروهی مسلمانان معرفی شده است. آیات و روایات فراوانی به این حقیقت ارزشمند اشاره کرده‌اند. درباره اهمیت انتظار فرج، روایاتی ذکر شده که انتظار فرج را نه فقط جهاد، که برترین جهاد دانسته است. از این نوع روایات نیز به خوبی استفاده می‌شود که انتظار فرج، از نوع عمل است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي انْتَظَارُ الْفَرَجِ؛ برترین جهاد امت من، انتظار گشایش است». (شعبه حرانی، ۱۳۸۰، ص ۳۷)

۵. نتیجه گیری

انتظار، در منابع و در فرهنگ های متفاوت، به بیان های مختلفی مطرح شده، ولی به طور کلی به معنی تأنی و درنگ بر امری است. در اصطلاح مهدویت، انتظار به معنای چشم به راه بودن برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه و آماده شدن و زمینه سازی برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است. در روایات بسیاری، فعل انتظار و فضیلت والای آن، مدح شده است. انسان هر چه به معنا و مفهوم حقیقی انتظار شناخت پیدا کند، با وارد شدن به عرصه عمل و زمینه سازی برای ظهور به فضیلت والای آن نزدیک شده است. چنین انسانی مصداق واقعی کلمه منتظر خواهد بود. به عبارتی اگر شخص در فرهنگ مهدویت رشد یافته باشد، با شناخت حقیقی معنای انتظار، زمینه ساز ظهور منجی موعود خواهد بود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۹). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. ابن منظور الافریقی المصری (۱۳۶۳). *لسان العرب*. قم: نشر ادب حوزه.
۲. تاجری، حسین (۱۳۵۸). *انتظار بذر انقلاب*. بی جا: انتشارات بدر.
۳. تونه ای، مجتبی (۱۳۸۸). *فرهنگ الفبایی مهدویت (موعودنامه)*. قم: انتشارات مشهود.
۴. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت (۱۳۸۸). *آفتاب مهر (پرسش ها و پاسخ های مهدوی)*. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه.
۵. حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۳۹۲). *تاج العروس*. بی جا: دار الهدایه.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۲). *لغت نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. دوانی، علی (۱۳۸۵). *موعودی که جهان در انتظار اوست*. قم: دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی عجل الله فرجه.
۸. سلیمیان، خدا مراد (۱۳۸۸). *درسنامه مهدویت (حضرت مهدی عجل الله فرجه و دوران غیبت)*. قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۹. شعبه حرانی، حسن بن علی بن حسین (۱۳۸۰). *تحف العقول*. مترجم: کمره ای، محمد باقر. مصحح: غفاری، علی اکبر. تهران: انتشارات کتابچی.
۱۰. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۷). *معرفت امام عصر عجل الله فرجه و تکلیف منتظران*. تهران: انتشارات موعود عصر عجل الله فرجه.
۱۱. شیخ صدوق (۱۳۶۳). *کمال الدین و تمام النعمه*. مترجم: غفاری، علی اکبر. قم: انتشارات مؤسسه نشر اسلامی.
۱۲. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۷۵). *امامت و مهدویت*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۱۳. صدر، سید رضا (۱۳۷۸). *راه مهدی عجل الله فرجه*. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۴. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۸). *امالی*. مترجم: حسن زاده، صادق. قم: انتشارات اندیشه هادی.
۱۵. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب به خط و توثیق محمد بقاعی (۱۳۷۸). *قاموس المحيط*. بیروت: دار الفکر.
۱۶. قائمی، علی (۱۳۵۹). *نگاهی به مسئله انتظار*. تهران: انتشارات شناخت اسلام.
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۴۴). *اصول کافی*. مترجم: مصطفوی، جواد، رسولی، هاشم. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
۱۸. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۱). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۹. مصطفوی، حسن (۱۴۱۶). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت

- فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. معلوف، لويس (۱۳۶۰). *المنجد في اللغة*. مترجم: بندر ریگی، محمد. تهران: انتشارات اسلامی تهران.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). *حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام*. قم: انتشارات نسل جوان.
۲۲. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی (۱۳۸۷). *تکالیف بندگان نسبت به امام زمان علیه السلام*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۲۳. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۰). *صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای روح الله موسوی خمینی)*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۹). *الغیبه*. مترجم: فهری زنجانی، سید احمد. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۵. یوسفیان، حائری پور (۱۳۸۳). *نگین آفرینش*. قم: مرکز تخصصی مهدویت.